

# دیالوگ های غیرماندگار

دروغ چرا؟ مقدمه که ندارم! فقط عرضم به حضور شما اینکه مطالب زیر در هشتک دیالوگهای غیرماندگار در کانال تلگرام منتشر میشد که گفتیم حالا اینجا هم منتشر کنیم!

.1

- ببخشید شما قیفاتون آشناست! اسمتون چیه؟

+ شیدا

- همون که در همه دیر مغان نیست چو اون شیدایی؟ شجریان میخونه!

+ نه

- همون شیدای زمانه منم؟ رسوای زمانه منم؟ خیلیا خودن!

+ نه

- پس کدوم شیدا؟

+ شیدای شهرام ناظری و چکنواریان. شیدا شدم شیدا شدم شیدا شدم

- آهان ... حالا چی شد شیدا شدی؟

+ نبودم، نمیخواستم باشم. اما یهو به خودم اومدم دیدم محاصرم کرده. دیدم با تمام جلال و جبروت شاهانه ام وسط قلعه تنها نشستم و از همه طرف صدای سربازاش میاد. اونجا بود که فهمیدم کار از کار گذشته ... همه رو شبیهش می دیدم. همش می خواستم کنارش باشم. اما همش کنارشو قائم می کرد. می گفتم چرا؟ می گف تاکسیا کنارشو دونفر حساب می کنن. می خواستم ببینمش، اما صورتشو همش می داشت تو جیبش. می گفتم چرا؟ می گف آفتاب می زنه سیاه می شم. وضعیتی بود اقا، محراب هم خیلی فریاد زد ... تهش یه روز اومد گف بیا دوست معمولی باشیم. اینم قصه ی ما. ایطور شد که شیدا شدم.

- این روزای آخر سال بیشتر مواظب خودت باش

2.

- ببخشید شما؟

+ نگارم

- همون که نیست در شهر تا دل ما را ببرد؟ کجایی؟

+ بعد یه سال شهرگردی و دل بردن از این و اون، دم عیدی مرخصی گرفتم آمدم آنتالیا کنسرت فریال.

- فریال؟ بابا ما خودمون لیلا فروهر מזگان داشتیم هموطن! چی شد یهو از جونی جونوم رسیدیم به فریال؟

+ دیگه چرخ گردونه که میگن همینه. تو هم مئه بقیه یه تف بنداز بهش و برو

- من اگه میخوام برم، همون موقعی میرفتم که بش گفتم دوست دارم گف مرسی. اما رفتن که جواب نیست، پاک کردن صورت مسئله. درسته موندن هم جواب نیست، اما بهتر از پاک کردن صورت مسئله اس. صورت مسئله به این قشنگی حیف نیست؟ ببین اون چشمها رو که به تیر غمزه گرفتار کرده مارو؟! کجا بریم وقتی مسئله ایطوری موهاشو میریزه تو صورتش که موج دریا انقدر با عشوه رو ساحل نماید؟ کجا بریم وقتی ...

+ حوصلمو سر بردی سید. بگو اگه میای واسه تو هم بلیط بگیرم

- نه مومن. تو برو سفر سلامت. من میخوام بشینم کنج کافه تصور کنم با مانتو سبز مسئله ام چ شکلی میشه. باشه؟ الو؟ قط کردی؟ الو؟

3.

- با ما به از این باش که با خلق جهانی!

+ چرا؟

- چون من با تو به از اینم که با خلق جهانم!

+ چرا؟

- چون تو متفاوت از خلق جهانی برای من

+ خب تو متفاوت از خلق جهان نیستی برای من!

- آهان! اوکی حله

.4

- یادته اون دشت بزرگو؟

+ کدوم؟

- همون که خیلی بزرگ بود! تنها بود!

+ به چیزایی داره یادم میاد ...

- بابا همون که توش یه درخت بود به نام ابی که اهل منزلش با تیر افتاده بودن به جونش

+ آهان! خب؟

- تو اون دشت فقط ابی که نبود! که کرگدنی هم بود که شاخش شکسته بود

+ آخی! چرا حیونکی؟!

- سر داف گله شون، با یه نر دیگه مبارزه کرد، شاخش شکست. جمعیت حمایت از حیوانات آمد وارد عمل بشه ولی خودش اجازه نداد گف این داغه، داغ عشقه ... جمعیتم چون دم عید بود و سرش به کمپین تحریم ماهی قرمز گرم بود، زیاد پایبش نشد. اونم بعد اینکه کتاب اولشو چاپ کرد رف شاخشو عمل کرد و الانم اینور اونور جلسه شعر دعوتش میکنن ...

+ داف قصه چی شد؟!

- اونم یه مدت با نر قویتر موند، بعد یه نر قویترتر پیدا شد رفت با اون، بعد باز یه نر قویترترتر پیدا کرد و رفت با اون، بعد باز یه نر قویترترترتر پیدا کرد و رفت با اون! یه مدت با اون بود، بعد نر قویترترترتره، یه داف بهتر از این پیدا کرد رفت با اون. اینم الان خونه سالمندان افتاده یاد ایام جوانی میکنه و گذر عمر رو تماشا میکنه و شهامت خودکشی هم نداره.

+ تف به چرخ گردون مومن!

- داداش میخای تف کنی حداقل پای درخت تف کن!

+ تف به چرخ گردون پای درخت

- مرسی

.5

- دوست من دوست داره با دوست تو دوست بشه؛ دوست تو دوست داره با دوست من که دوست داره با دوست تو دوست بشه، دوست بشه؟!

+ دوست من که دوست تو دوست داره دوستش بشه، متاهله! یه بچه هم داره!

- اهان ... نه بابا شوخی کردم ... حله

.6

- سرو چمان من چرا میل چمن نمیکنی؟

+ نمیبینی تابلوی ورود به فضای سبز ممنوع رو؟! این چمنا، اون چمنا نیس که بشینیم و تو پسزمینه صدای آب و بلبل و عطر گل و هوای نفسکش بهار، واست عشوه بریزم و به تیر مژگان مجروحت کنم!

- تو این اوصاف، ما کجا رخ به رخ بشینیم و دزدیده در شمایل خوب شما بنگریم و کمی فاز تغزل برداریم و سعدی و حافظ و وحشی بافقی و باباطاهر و عراقی رو ببافیم بهمدیگه که تهش تو لفافه بگیم بلوری سیمین ساق، میدونی خاطر شما واسه ما عزیزه؟!

+ خیلی عقبی از چرخ گردون! این روزا ملت میرن کافه، نیمرخ به نیمرخ میشینن، خیره به افق، در مورد بحران سیاسی جوامع دموکرات با تشکیل خردهگروه‌های تخصصی و تند شدن روند جهانی شدن بحث میکنن و کافه‌گلاسه میخورن ...

- پس قسمت شاعرانه‌ی قضیه کو!؟

+ شعر!؟ شاعر!؟ آهان! انقدر گوشه خونه موند کپک زد. دادیمش نمکی بجاش دو تا جوجه رنگی خریدیم ... بعدشم حمایت از حیوانات مد شد ره‌اشون کردیم ...

- ههههه. پس طهرون طهرون که میگن اینه!؟

+ همینه همینه ....

- اوکی من برم یه دور دیگه بزنم برمیگردم

+ خوش اومدی.

.7

- ببخشید شما؟

+ کویرم کویبیرم

- اونی که گوگوش خونده یا شماعی زاده؟

+ فرقی نداره. بهرحال شما بگو ابر بیاره میخوام جون بگیرم.

- ما که کاره‌ای نیستیم بگیم بیار، بیاره! ما رو عضو دون مایه‌ی جنسیشم نمیدونه!

+ پس کی چیکارس که بگیم بیاره!؟

- به حضرتی از خراسان بود. میگفت بیار ای ابر بهار با دلم به هوای زلف یار ... کور شم آگه دروغ بگم! وقتی می‌خوند ابر و خورشید و فلک و ماه و ما می‌باریدیم. الان بحران خشکسالی کشور رو با این ترفند میخوان درست کنن.

+ شوخی میکنی!؟

- شوخی!؟ نبود بیینی وقتی میزد زیر آواز سلول‌های بنیادین وجودت رو به ارتعاش درمیآورد. طوری میخوند مرغ سحر ناله سر کن، که مرغ سحر تا غروب آفتاب ناله میکرد.

+ شوخی میکنی دیگه!؟

- شوخی!؟ به تصنیف خوند تفنگت را زمین بگذار! الان شورای امنیت ملی داره تدارکات لازم رو میبینه که جنگنده‌هاش بجای بمب، باند وصل کنن واسه داعش اینو پخش کنن ...

+ جان ما شوخی نمیکنی!؟

- شوخی!؟ اینطوری بهت بگم که وقتی میگفت ربنا لاتزع قلوبنا، جماعتی قلوبشون رو میگرفتن کف دستشون میدادن خدا که قلب صاحب صدا طوریش نشه ...

+ دیگه داری شوخی میکنی شیطون!

- ای آقا ... شوخی رو چرخ گردون کرد که گویا قصد جان حضرت رو داره ...

+ تف به چرخ گردون

- پای درخت تف کن

+ تف به چرخ گردون پای درخت

- مرسی

- آقا به ملک تجاری می‌خواستم واسه خرید
- + جهت چه کاری؟
- به مردم میگیم واسه کافه، ولی از خدا که پنهون نیس از شما چه پنهون، واسه دلتنگی میخوام.
- + چه مترازی مدنظر تونه؟
- در حد یه صندلی و یه میز که بشه روش نشست و #رادیو\_آناناس نوشت و ز زلف خاتون یادآریم
- + الان گزینه مناسبی ندارم. شمارتو بذار بهت زنگ بزنم
- شرمنده شماره به کسی نمیدم. هر بار این گوشی زنگ میخوره تو دلم آشوب و بلوا میشه که خاتونه! اما زهی زهی زهی زهی خیال باطل! تهش ایرانسه که کد آهنگ پیشواز پاشایی رو گذاشته!
- + حالا خاتون زنگم میزنه بهت؟
- نه بابا شمارمو نداره ...
- + پس چطور میخوای بهت زنگ بزنی؟
- اون کامیون رو اونور خیابون میبینی؟! توش پره گوشی دوسیمکارته جی ال ایکسه! رفتم ده هزارتا سیمکارت گرفتم بلکه خاتون اشتباهی سهوی تصادفی یکی از این شماره ها رو بگیره ...
- + مومن کبابم کردی! بیا همین بنگاه خودمونو کافه کن دو تایی دلتنگی کنیم.
- نه داداش من دلتنگیمو با کسی تقسیم نمیکنم.
- + ای بابا تف به چرخ گردون پس!
- پای این گلدون حداقل تف کن
- + تف به چرخ گردون پای گلدون
- مرسی

.9

- + ببخشید شما؟
- خسرو
- + همون که میگن صلاح مملکت خویش میدونه!؟

- میگو اما تو باور نکن!

+ دیگه من فقط حال همه‌ی اونا خوب است رو باور نمیکنم ...

- منم از همونام دیگه.

+ تو که دیگه صلاح رو میدونی! تو چرا!!؟

- دونستن که همیشه خوب نیس. بعضی وقتا ندونی بهتره ... منم ساکمو بستم و مملکتو گذاشتم واسه حراج و دنبال کارای مهاجرتم ...

+ ای بابا. شما بری ما دیگه کسی رو نداریم صلاح کار رو بگه!

- چرا نداری!!؟ یا اصن چرا داشته باشی!!؟ که تهش چی بشه!!؟ تا الان که کارو داده بودی دست ما چی شده که نگران بعدشی!!؟

+ حالا کجا میخای بری!!؟

- الان که از مرز خواف میزنم میرم افغانستان. اونجا دست طالبانو میگیرم میبرم هندوکش دو تایی خلوت کنیم ببینم چیه حرف حسابش. ببینم دلش از کجا پر بود که زد مجسمه‌های بودا رو کشید پایین ... شونه سمت راستمو میدم بهش یکم گریه کنه خالی شه و دست از جنگ برداره بعدشم میرم کوبانی یه کافه جور میکنم داعش رو اونطرف میز میشونم، پیشمرگه‌ی کرد رو هم میذارم اینطرف، واسه جفتشون دبل سفارش میدم و تصنیف با صنما دل یک دل کن شجریان پدر و پسر رو میذارم که روبوسی کنن و آشتی کنن ... بعدش میرم سومالی خودمو قطعه قطعه میکنم میدم به قحطی زده ها

+ آگه تو نبودنت خاتون اومد چی بهش بگم!!؟

- بگو به جای من تف کنه به چرخ گردون که اسممون رو گذاشتن خسرو و تو معذوریت صلاح خاورمیانه رو فهمیدیم ولی صلاح خویش رو نفهمیدیم

+ میشه بگم تف کنه پای درخت!!؟

- نه بگو تف کنه به چرخ گردون توی اسپرسوی اون مشتری که همیشه غروب جمعه هندزفری به گوش تنها میاد میشینه کنج کافه.

+ تف به چرخ گردون تو اسپرسوی مشتری تنهای غمگینی که ماییم!

.10

- چه بد کردم؟ چه شد؟ از من چه دیدی؟ که ناگه دامن از من برکشیدی؟

+ چیزی نشده عجم. دامن دیگه منسوخ شد! ندیدی دیگه همه زدن تو خط مانتو خفاشی و نولان و بتمن و این حرفا؟ دیگه کسی دامن نمیپوشی!

- دامن نیوشی، من از کجا به معراج برم؟

+ دیگه اون مشکل خودته.

- حداقل شال قرمز رو که سرت کن

+ شرمنده رنگ امسال قهوه‌ایه ...

.11

- میای بغلم؟

+ نه

- می‌پری؟

+ نه

- شیرجه می‌زنی؟

+ نه

- فرود میای؟

+ نه

- حمله می‌کنی؟

+ نه

- می‌خزی؟

+ نه

- می‌جهی؟

+ نه

- کلمه اجمعین فعلی وجود داره که تو رو به بغلم برسونه؟

+ نه

- چیزی دیگه‌ای جز نه بلدی؟

+ نه



- خوبی؟

+ نه!

- چرا؟

+ چون انقدر احمق که نمیفهمی وقتی من میگم نمیام بغلت، بنی خودت باید بغلتو بیاری دورم!

.12

- آقا خونه‌ی خاله کدوم وره؟!

+ کجا بهت آدرس دادن؟

- گفتن ازینوره ازونوره.

+ خوب شما اشتباه اومدی! الان مستقیم برو، صدمتر جلوتر دوربرگردونه، دوربزن بیا برو چهارراه اول نه، دوم نه، سومی رو بپیچ سمت چپ! صد متر که بری میرسی به کوچه علی چپ! که بن بسته و ماشین رو نیست. پیاده میری، ته کوچه آدمای زیادی رو میبینی ... که خاله هم همونجاست! ولی احتمالا تو رو نشناسه!

- چرا!؟

+ آما وقتی میخوان همدیگرو فراموش کنن میرن کوچه علی چپ! الانم انقد جمعیتش رفته بالا میخوان مته اتوبان صدر، دو طبقه‌اش کنن!

- تو چرا نمیری!؟

+ گفتم آما! من آدمم!؟ آنااسم!

.13

- آمدی جانم بقربانت، ولی حالا چرا!؟

+ نواب که همیشه ترافیکه! مترو هم که هنوز کولراشو را ننداخته دو ایستگاه بیشتر توش باشی خفه میشی! بی آر تی هم که واسه سوار شدنش باید دوره دفاع شخصی بری تا وسط شلوغی حامله نشی! تاکسیم که دیگه تا قانعت نکنن که سگ زرد برادر شغاله ولت نمیکنن! حالا بازم میخوای بدونی چرا دیر اومدم؟

- غلط کردم! تو برگشتی دوباره عجب خوب کاری کردی / منو دادی خجالت بازم چوبکاری کردی!

.14

- بری اونور، حجابتو برمیداری!؟

+ اره

- چرا!؟

+ واسه اعتراض به اینا

- همیشه الان یکم به من اعتراض کنی!؟

+ نه!

- چرا!؟

+ اعتراض به تو پوشش خیری نداره!

- اهان.

.15

- پدرم روضه‌ی رضوان به دو گندوم بفروخت!

+ بعدش؟

- هیچی! گندما رو کاشتیم به امید اینکه لوبیای سحرآمیز دربیاد بریم تو آسمون مرغ تخم طلا رو بدزدیم، بیایم، طلاهاشو قاچاق کنیم ترکیه اونجا یکم سرمایه گذاری کنیم شبکه جم رو بخریم، بجا سریالای ترکی، یکم مستند در مورد نحوه‌ی رد شدن از چراغ قرمز بذاریم بلکه در راستای **#ارتقای #فرهنگ #شهروندی** کاری کرده باشیم! اما خوب ... از دونه‌ی گندم، گندم سبز میشه! و گندم سحرآمیز نیس!

+ وقت خوابت گذشته! بخواب ...

.16

- شیرین من!؟
- + جونم؟
- انقد قند نخور دیابت میگیری
- + پس چطور شیرین تو باشم!؟
- آناس بخور
- + تو هم پس سیگار نکش
- سیگار نکشم چطور دلتنگت باشم!؟
- + دلتنگ!؟ من که کنارتم!
- اتفاقا وقتی کنار می دلتنگترم
- + اصن برو دم خونه خودتون بازی کن
- شیرین من؟
- + من با تو قهرم
- شیرین من؟
- + آشتی ندارم
- پس من به موز برداشتم

.17

- + اسمت چیه!؟
- غلام
- + کدوم غلام!؟
- همون من غلام قمرم غیر قمر هیچ مگو
- + کدوم غلام قمری!؟
- همون که علیرضا قربانی هم خونده!

- + آهان! خوبی؟! قمر کجاس؟! چرا تنها نشستی!؟
- قمر رفت ترکیه گف لزبینه و چندتا مصاحبه رادیکالی هم کرد، پناهندگی گرفت.
- + چی شد بعدش!؟
- وقت گیر آوردی!؟
- + خودت اصرار داری غیر قمر هیچ نگم!
- با من دوس میشی!؟
- + نه
- چرا!؟
- + موی دراز، ناخن بلند، واه واه واه!

آدرس کانال تلگرام آناناس الدوله: [telegram.me/ananas\\_aldoleh](https://t.me/ananas_aldoleh)

۱